دوفصلنامه پژوهشنامه فقه و نظام‌سازی عدالت

سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

اندیشه مثبت در تعلیم و تربیت از نگاه فقه نظری

محمدحسین خوش آیند[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

چکیده

با توجه به معارف و متون فقهی نظری شیعه، می‌توان اندیشه مثبت و مثبت نگری را در احکام و مسائل، قواعد فقه و اصول به اثبات رساند که به برخی از آن‌ها که در اصول تعلیم و تربیت، قابل استکشاف هستند، اشاره می‌کنیم:

۱. اصل رعایت توانایی و محدودیت متربی در اجرای احکام؛ ۲. اصل تخفیف و مسامحت در مورد مکلف؛ ۳. وجود جایگزین‌ها در احکام؛ ۴. جواز انجام محرمات در حال اضطرار و ضرورت؛ ۵. تخفیف در نحوه انجام برخی واجبات؛ ۶. کافی بودن بازار مسلمانان برای جواز داد و ستد؛ ۷. اصالت صحت فعل مسلم ۸. اصل حلیت و اصل طهارت؛ ۹. قاعده فراغ و تجاوز؛ ۱۰. حدیث رفع قلم.

از دیدگاه شهید ثانی، مسائل و امورگوناگونی، در مورد وظایف معلم نسبت به دانش‌آموز، وجود دارد همه آن‌ها به صراحت به اندیشه مثبت دلالت دارند مانند: ۱. ایجاد خلوص نیت در شاگردان ۲. ایجاد شوق و دلبستگی، در دانش‌آموزان نسبت به علم و دانش ۳. لزوم دلسوزی و مواسات معلم، با دانش‌آموزان ۴. تفقد معلم از احوال دانش‌آموزان و غیره...

کلیدواژه‌ها: اندیشه مثبت، تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، فقه نظری

---

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه عدالت؛ khoshayand_39@yahoo. com

مقدمه

از نظر معرفت‌شناسی، شناخت‌های اندشمندان دینی ما می‌تواند از روش‌های دینی، نقلی، عقلی و تجربی سرچشمه گیرد. مجموعه اطلاعات ما یا محصول تأمل‌های عقلانی و فلسفی است که رشته‌هایی مانند فلسفه تعلیم و تربیت، عهددار آن است یا محصول روش‌های تجربی و آزمایشگاهی در توصیف و شناسائی وقایع و موقعیت‌های تربیتی است که رشته‌هایی چون رونشناسی تربیتی در این مسیر فعالیت می‌کنند.

از نظر معرفت‌شناسی، تعلیم و تربیت در مدارس، می‌تواند از منابعی مانند عقل و تجربه، وحی و فقه پویای شیعه تغذیه کند برای اینکه بهره‌گیری از توصیف‌ها و تجویزهای دین، به خصوص اسلام در حوزه آموزش و پرورش به دلیل حجیت و جامعیت آن ارزش بسزائی دارد.

تئوری تعلیم و تربیت اسلامی و سازماندهی نظام تربیتی دینی، از دغدغه‌های دیرین متخصصان متدین و متعهد حوزه تعلیم و تربیت است برای دستیابی به چنین نظامی، گردآوری تجویزها و قواعد فقهی اسلام، مهم به نظر می‌رسد.

استخراج توصیف‌ها و تجویزهای اسلام بیشتر در دانش فقه تجلی می‌یابد برای اینکه این دانش در صدد است برای همه رفتارها و گفتارهای انسان مکلف، بایدها و نبایدها تعیین کند استکشاف این تجویزها جز از طریق آموزش و پرورش میسور نمی‌شود و جایگاه اجرائی و عملی آن‌ها نیز تنها از راه آموزش و پرورش صحیح اسلامی است.

از دیدگاه فقه اسلامی، همه افراد انسانی از قبل تولد تا زمان انقضای حیات، دارای حقوق هستند متأسفانه فقه پویای اسلامی بر زندگی مسلمانان و به خصوص مدارس کشور اسلامی ما، حاکم نیست به این علت، بسیاری از حقوق مردم به ویژه کودکان و دانش‌آموزان به راحتی وبا اغماض‌های ناعادلانه، از طرف اولیاء، معلمان، و حکومت تضییع می‌گردد. تبعیض‌های ناروا در امر تعلیم و تربیت با نظام اسلامی که برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه گری نیست مغایرت دارد. براساس اصل اول قانون اساسی، حکومت ایران، جمهوری اسلامی است، ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن و... به آن رأی مثبت داده است.

در مدارس کشور اسلامی به دلایلی، که در رساله دکتری که مورد اسخراج این مقاله است آموزش و پرورش، نقش اصلی خود را از دیدگاه فقه اسلامی، فراموش کرده است که اغلب معلمین و اساتید با اصول تعلیم و تربیت اسلامی بیگانه هستند و معمولا با نگرش‌های منفی به معارف دینی می‌نگرند. این مقاله سعی کرده در حد وسع و حوصله این نوشتار، به بخشی از مسائل مربوط به وظایف معلم و مثبت اندیشی در فقه و اصول بپردازد.

تأثیر اندیشه مثبت در تعلیم و تربیت از نگاه فقه نظری

مفهوم فقه نظری

احکام نظری از اقسام احکام عقلی و مقابل احکام عملی است و به معنای ادراک امور کلی از نوع شناختن و دانستن است (مما ینبغی ان یعلم) و ربطی به مقام عمل و بـه کـار بسـتن نـدارد؛ بـه عبارت دیگر، به ادراک واقع و هستی، همان گونه که هست، حکم نظری می‌گویند، ماننـد: نـوع قواعد منطقی، ریاضی، فلسفی و کلامی که از مقوله دانستن و باور کـردن اسـت، مثـل: «یـک، نصف دو است»(فرهنگ‌نامه اصول فقه، ص/۱۱۱).

مفهوم مثبت

مثبت از ثبت یثبت ثبوتا است به نظر می‌رسد، دلالت بر وجود در مقابل عدم می‌کند مثبت یعنـی ثابت شده اما منفی از نفی ینفی نفیاً، دلالت بر عدم می‌کند بر این اساس وجود خیر اسـت عـدم شر، پس در اندیشه مثبت خیر و نیکی موجود است ولـی اندیشـه منفـی چنـین نیسـت در زبـان فارسی به سه صورت استفاده می‌شود: اندیشه مثبت، مثبت اندیشی و مثبت گرا.
معادل آن در زبان انگلیسی عبارت است از: Positivism مثبت گرا positive مثبت (فرهنـگ حبیم، ص/ ۴۱۵).

تعریف مثبت اندیشی

تفکر مثبت شیوه‌ای از فکرکردن است که فرد را قـادر می‌سـازد نسـبت بـه رفتارهـا، نگرش‌هـا، احساس‌ها، علائق واستعدادهای خود و دیگران برداشت و تلقی مناسب داشـته باشـد و بـا حفـظ آرامش و خونسردی بهترین و عاقلانه‌ترین تصمیم را بگیرد (ماهنامه آموزشـی و تربیتـی پیونـد، شماره ۴۴۶، ص ۳۱).
ضرورت مثبت اندیشی و تفکر خلاق در تمامی دوره‌های تعلیم و تربیـت از قبیـل کـودکی، مهـد کودک، دبستان، دوره‌های اول و دوم دبیرستان، دانشگاه و در جامعه کنونی ایران اسلامی، کاملاً مشهود است. هر چه قدر در آن بیشتر بیندیشیم، آموزش و پرورش ما، خواه رسمی باشد و یا غیر رسمی(والدینی و سنتی)، موفق‌تر خواهد بود.
در واقع هدف اصلی از اندیشه مثبت، یک نوع تغییر در نوع تفکـر اسـت کـه ایـن تغییـر بایـد در متولیان تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش، ایجاد و تبدیل به عـادت شـود کـه شـاید برخـی از آن‌ها به صورت ژنیتیکی، عادت به مثبت اندیشی نداشته باشند در این صورت از طریـق تمـرین می‌تواند تفکرات منفی را از خود دور و یا آن‌ها را کنترل نماید.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «ان لم تکن حلیما فتحلم، فانه قل من تشبه بقوم الا اوشک ان یکون منهم»؛ اگر بردبار نیستی، خود را وادار به بردباری کن، زیرا کسی که خود را بـه گروهـی شـبیه کند، به زودی از آنان می‌شود. (حر عاملی، محمد بن حسن،۱۳۷۲، ص ۲۶۸)

بنابر گفته امام صادق (ع) می‌توان اندیشه‌های منفی از طریق تمرین به اندیشه‌های مثبت تبـدیل کرد.

در حقیقت، اندیشه زیبا و مثبت می‌تواند بهشتی از زندگی انسان بسازد، چنانکـه اندیشـه منفـی و یاس آور می‌تواند جهنمی در زندگی اوخلق کند.

مثبت اندیشی نگاهی است که می‌تواند، به ما کمک کند که بـه اغلـب توانـائی ه و اسـتعدادهای بالقوه دانش آموزان،دست بیابیم

تناسب اندیشه مثبت و منفی با مسأله خیر و شر در فلسفه

به نظر می‌رسد با توجه به تعریف مثبت اندیشی، بین این دو از نسـب اربعـه، عمـوم و خصـوص مطلق، حاکم باشد برای اینکه هر مثبتی خیر است و برخی از منفی‌ها خیر اسـت و برخـی دیگـر شر.

اما با توجه به تعریف «خیر وشر» از زبان برخی از فلاسفه اسلامی ازجمله مرحوم زنوزی، در بین آن دو نسبت تقابل حاکم است.

مرحوم زنوزی در لمعات الهیه می‌گوید: «الوجودُ مِن حیث أنه وجود خیر محض، و العدم من حیث انه عدم شر محض».

هر چیزی که سعۀ وجودی بیشتری دارد از خیریت بیشـتری برخـوردار اسـت. حـق تعـالی وجـود محض و خیر محض است و شری در او راه ندارد و اشیاء هم به سوی خیر محض شوق دارنـد و بدان سو می‌روند. در این معنا، تقابل میان خیر و شر، تقابل عدم و ملکه است. تقـابلی کـه یـک طرف آن امر وجودی و طرف دیگر آن مواردی همچون نابینایی، جهـل، مـرگ، نقـص... کـه از جمله شرور شناخته می‌شوند، ماهیتی جز عدم و نیستی ندارند. جهل فقدان علـم اسـت و مـرگ فقدان حیات است و این شرور ما به ازایی در خارج ندارنـد. در واقـع، مـا اوصـاف عـدمی را شـر می‌نامیم». (زنوزی، لمعات الهیه، ص ۱۲۸)

با توجه به گفتۀ مرحوم زنوزی، در تفکرات منفی، خیری وجود ندارد، اندیشه مثبت، یک نوع وجود و منشأ خیر و برکات است.

تأثیر اندیشه مثبت فقه در اصول تعلیم و تربیت

با توجه به معارف و متون فقه و اصول ما، می‌توان به برخی از اصول تربیتی مستخرج از آن دو، در مورد اندیشه مثبت، در تعلیم و تربیت، پرداخت که همه آن‌ها به نحوی به مثبت اندیشی در مقابل اندیشه منفی دلالت دارند، عبارتند:

۱. اصل رعایت توانایی و محدودیت دانش‌آموز

یکی از اصول تربیتی این است که فعالیت‌های تربیتی باید متناسب با استعداد وتوان متربی و دانش‌آموز باشد به عبارت دیگر لازم است شرایط، موقعیت و همچنین توان متربی و دانش‌آموز را در نظر گرفت و به موجودات و داشته‌های آن‌ها نگریست و متناسب با آن شرایط و وضعیت، برنامه‌ریزی و تدابیر تربیتی و آموزشی، اندیشیده و به اجرا درآورد. این اصل، در باب‌های مختلف فقهی از جهات گوناگون مورد توجه قرار گرفته است که می‌توان به تفاوت در احکام از جهت مقطع سنی، جنسیت و شرایط زمانی و مکانی، توانائی و استعداد در انجام تکالیف، اشاره نمود.

رعایت استعداد دانش‌آموزان در القاء مطالب علمی از نگاه شهید ثانی در کتاب منیه المرید

از حقوق دانش‌آموز است که ضریب هوش و اندازهٔ استعداد ایشان در امر تدریس و القای محصولات و فرآورده‌های علمی، لحاظ شود. و در طرز القاء درس بر دانش‌آموزان، دشواری و دشخواری مشاهده نشود، بلکه باید کیفیت تدریس او هموار و دلنشین بوده و با آمیزه لطف و توام با رفق و مدارا و با دید مثبت باشد. در غیر این صورت حقوق‌دانش‌آموز را تباه کرده است.
از حقوق‌دانش‌آموز است که از معلومات و اندوخته‌های علمی و تجربی معلم استفاده نماید ومعلم نباید روحیات منفی داشته و اندوخته‌های علمی خود را در خویشتن احتکار کند، و در اعطاء و القاء آن‌ها دریغ ورزد، اندوخته‌هایی که دانش‌آموزان، بدان نیاز دارند، و از او درباره آن اندوخته‌ها، پرس و جو می‌نمایند.
در توضیح و تفسیر کلمه «ربانی» چنین روایت شده است که «عالم ربانی» کسی است که آگاهی‌ها و معارف خرد، کوچک و ساده را قبل از معارف بزرگ و پیچیده، به مردم تعلیم می‌دهد. (حجتی، آداب تعلیم و تعلم در اسلام)
معلم باید در تفهیم مطالب، درجه استعداد و قدرت درک و توانایی حافظه شاگردان را مد نظر قرار دهد.
و از تدریس مسائل و مطالبی که ذهن شاگردان، تحمل درک آن را ندارد خودداری نماید.

در کشور ما به علت روش‌های ناصحیح گزینش دانش‌آموزان تیز هوش و تفکیک آن‌ها از دانش آموران عادی، حقوق بسیاری از آن‌ها تضییع می‌شود.

مسأله‌ای که فقهای ما علی الخصوص مرحوم شهید ثانی، عنوان نمود، کاملاً با طرح مدارس استعدادهای درخشان(تیزهوشان)، مغایرت دارد برای اینکه بسیاری از دانش‌آموزها در این مدارس تیز هوش نیستند هوش و استعداد آن‌ها توانائی درک و تحمل مسائل و مطالبی که در آن مدارس تدریس می‌شود، ندارند.

در پژوهشی که با موضوع مقایسه افسردگی دانش‌آموزان عادی و تیزهوش شهرستان بیرجند در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ توسط حمید رضا ریاسی با جمعی از دانشجویان ارشد، انجام داد. با مقایسه میانگین نمره افسردگی بین دانش‌آموزان عادی و تیز هوش میانگین نمره افسردگی در دانش‌آموزان تیز به به طور معنی‌دار بالاتر از دانش‌آموزان عادی بود با توج به این که گروه دانش‌آموزان تیز هوش به دلیل آسیب پذیری بالا در معرض خطر روز افزون مشکل افسردگی و عواقب ناشی از آن قرار دارند. (فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره۲، ش، ۱ ص ۲۱)

شیوه گزینش دانش‌آموز تیز هوش در کشور ما، علمی و صحیح نیست. این امر سبب می‌شود که بسیاری از دانش‌آموزان چنین مدارسی به علت ابتلاء به بیماری‌های روحی و روانی، از ادامه تحصیل و موفیت باز مانند.

و حقوق آن‌ها کاملاً تباه و ضایع می‌شود که قابل پیگیری قانونی است.

و اما مدارس تیزهوشان یا سمپاد: تاسیس و راه اندازی این مدارس کاملاً در اختیار شورای عالی آموزش و پرورش است که همه ساله با برگزاری آزمون ورودی، دانش‌آموزان مستعد و نخبه را از سایر دانش‌آموزان تفکیک کرده و وارد مدارس سمپاد می‌کند به نظر می‌رسد چنین مدارسی با وضعیت و شرایط کنونی در کشور ما، کمتر ازیک جرم و جنایت در حق منافع ملی نیست و دلایل آن هم برای کارشناسان متعهد و مؤمن، روشن و مبرهن است.

به دلیل اینکه ما از میان صدها هزار کودک و نوجوان ایرانی و بعد از برگزاری کلاس‌های سخت تست زنی و آزمون‌های طاقت فرسا و با تحمیل هزینه‌های هنگفت به اولیای دانش‌آموزان، تعداد محدودی از آن‌ها را برمی گزینیم و با بهترین معلمان و امکانات و در طی حداقل ۶ سال با کار فشرده و توانمندسازی آن‌ها که از بهترین سرمایه‌های ملی کشور به حساب می‌آیند مثل یک دسته گل، آماده و رایگان تقدیم ممالک پیشرفته‌ای چون آمریکا، آلمان، انگلیس و کانادا و... می‌کنیم. طبق تمامی شواهد و قرائن موجود قریب به اتفاق بچه‌های مدارس تیزهوشان قبل یا بعد از ورود به دانشگاه‌های برتر کشور، ایران را به مقصد کشورهای غربی ترک می‌کنند و بر نمی‌گردند. برای اینکه احساس می‌کنند که این کشور به فکر آن‌ها نیست و ظرفیتی برای آن‌ها

فراهم نشده است. مشتریان صیاد براحتی آن‌ها را صید می‌کنند. آموزش و پرورش تنها بـه فکـر تبلیغ خویش از موفقیت‌های آنان است و بعد از ورود به دانشگاه‌ها، آن‌ها را رها می‌کنـد و کسـی هم به فکر ایجاد شرایط و ظرفیت سازی برای آن عزیزان نیست اغلب نفرات برتـر کنکورهـای سراسری کشور همین مدارس هستند ولی اکنون کجایند؟ معلوم نیست. به کدام دلیل در شـرایط فعلی کشور، آموزش و پرورش زیر بار چنین مسئولیتی و هزینه‌های کمرشـکن اینگونـه مـدارس می‌رود و چرا آن‌ها را تعطیل نمی‌کند این مدارس چه سودی عاید کشور می‌کنند؟

کشورهای مقصد بخوبی به سیستم آموزشی ایران آشنا هستند و حتـی دانش‌آمـوزان سـال آخـر دبیرستان‌های سمپاد را به راحتی شناسائی می‌کنند و انبوهی از نخبگان کشـور مـا را مـی‌ربایـند برای اینکه این عزیزان، ذره‌ای انگیزه به ماندن در ایـن کشـور را ندارنـد. چـه بسـا کشـورهای پیشرفته، رقابت‌های پنهانی بر سر تصاحب نخبگان ما دارند آن‌ها خوب می‌فهمنـد کـه سیسـتم آموزشی ایران تا اینجا کارش را بخوبی انجام داده است و می‌ماند همان مرحله کوچاندن و جذب کردن این استعدادهای بکر و خلاق ایرانی که مدام توسط شـبکه‌های انترنتـی و مـاهواره‌ای راه خروج این عزیزان را هموار و تسهیل می‌کنند.

آیا شایسه است که ما بودجه و اعتبار ملی را که متعلق به همه دانش‌آموزان ایران اسلامی است و در حالی که بچه‌هایی مناطق دور از مرکز و محروم، فاقد ابتدائی‌ترین امکانات آموزشـی هسـتند این همه امکانات مالی و غیره را غیر مستقیم در اختیار آمریکا و دیگـر کشـورهای بیگانـه قـرار دهیم؟ آیا این با منافع ملی، عدالت آموزشی و با اصل‌های اول، سـوم و سـی ام قـانون اساسـی سازگار است؟ در نخبـه پـروری و ایجـاد مـدارس اسـتعدادهای درخشـان، ابتـدا بایـد بسـترها و ظرفیت‌های لازم و کافی فراهم گردد و کشور بتواند از این سرمایه‌های ملی بهره‌مند گـردد و الا آب به آسیاب دشمن ریختن است.

وقتی که ما توانایی ظرفیت سازی و ایجاد بسترهای مناسب و استفاده از این نخبه‌ها را در کشـور نداریم و هیچ توان و ارادهٔ بهره‌مندی از آن‌ها در ما نیست و مهاجرت دانش‌آموزان و دانشـجویان با چنین مقیاس وسیعی رخ می‌دهد فلسفه وجودی این همـه مـدارس بـه اصـطلاح تیزهـوش و هزینه کرد این همه امکانات از بودجه ملی کشور برای چیست؟

این در حالی است که آموزش و پرورش ما از نداشتن بودجـه در همـه جـای کشـور، مـن جملـه مناطق محروم به شدت می‌نالد. این کار جز ضـربه زدن بـه منـافع ملـی و هـدر دادن آن هـیچ مفهومی ندارد.

در ضمن، درصدی از دانش‌آموزان مدارس اسـتعدادهای درخشـان، فاقـد هـوش و اسـتعداد لازم جهت ورود به این مداس هستند که سبب ترک تحصیل و یا افسردگی و بیماری روحی و روانـی

آن‌ها می‌شود. متأسفانه هیچ نهادی و سازمانی برای رسیدگی این همه ضرر و زیان‌های وارده بر مردم و پیکرهٔ جامعه اسلامی وجود ندارد آیا این به نفع دشمن و کشورهای رقیب منطقه نیست؟ حکومت و دولت ما اگر نمی‌تواند در شرایط فعلی، بسترها و ظرفیت‌های مناسبی برای چنین مدارسی فراهم کند که از خروج آن‌ها از کشور ممانعت به عمل آورد بهتر است که به نفع دشمن و رقبای منطقه تلاش نکند وهمه آن‌ها را متوقف کرده و در هزینه کرد ثروت ملی عدالت در توزیع را برای همه مدارس کشور، فراهم سازد. در غیر این صورت ما خودمان هستیم که به نفع دیگر کشورهای رقیب آگاهانه و یا ناآگاهانه، فعالیت می‌کنیم و مصداقی صادق برای این مثل زیبا و گویا خواهیم بود که در فرائد الادب، آمده است: «کالباحث عن المُدیَه» مثل کسی است که زمین را حفر می‌کند ناگهان کارد سلاخی بیرون می‌آورد و با همان کارد کشته می‌شود. می‌گویند مردی شکاری را گرفت و چیزی نداشت که سرش را ببرد، شکار برای نجات خود، دست و پا می‌زد که در اثر آن، خاک‌ها کنار زده شد و ناگهان کارد بزرگی نمایان شد پس شکارچی با همان کارد سرش را برید. (لغتنامه المنجد، قسمت فرائد الادب) این مثلی است برای کسی که با دست خود موجبات نابودی خویش را فراهم کرده و سبب تقویت دشمن می‌شود.

با توجه به فقه و حقوق اسلامی همه این مسائل، بر اساس قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر، استیمان، اتلاف و غرر، قابل پیگری و بررسی است.

به نظر می‌رسد در مدارس ایران، به حقوق اساسی دانش‌آموز، بی‌توجهی می‌شود و دانش‌آموزان ما، با حقوق خود آشنا نیستند جا دارد منشور حقوق اساسی دانش‌آموز مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش در تاریخ ۱۳۶۸در هفت فصل و پنجاه و چهار ماده، در همه مدارس کشور به صورت یک کتابچه و یا حد اقل به‌عنوان فصلی از فصل‌های کتب علوم اجتماعی، تبیین و تدریس شود.

۲- اصل تخفیف و مسامحت

مفاد این اصل آن است که در فعالیت‌های تربیتی، لازم است مربی مسامحه و دوری از سخت‌گیری را در همه فعالیت‌های تربیتی در نظر داشته باشد و با شناختی که از وضعیت و شرایط متربی و دانش‌آموز پیدا می‌کند در موارد لزوم، تخفیفاتی را برای او در نظر بگیرد و از آنچه موجب مشقت و سختی او می‌گردد پرهیز نماید. تفاوت این اصل با اصل پیشین دراین است که در آن اصل، تاکید برمتناسب بودن تکالیف و فعالیت‌ها با توان مکلفان و متربیان است ولی در این اصل تخفیف و آسان‌گیری نسبت به خود مکلف است و متناسب بودن تکلیف با توان متربی مورد تاکید است. البته این ارتباط میان دو اصل وجود دارد که رعایت توانایی‌ها و

محدودیت‌های متربی، زمینه ساز تسهیل و آسان‌گیری است یعنی هنگامی که مربی وضعیت و شرایط متربی و دانش آموز را در نظر گیرد و موقعیت او را درک کند، تسهیلاتی را برای خود او فراهم می‌کند.

اصل تسهیل و مسامحه و مثبت نگری از مهم‌ترین اصول تربیتی قرآن و فقه است و در جای جای آیات و مسائل فقهی مورد لحاظ قرار گرفته است.

خداوند می‌فرماید«لا یُکلِّف اللّهُ نَفْساً إِلا وُسعَهَا...»(بقره/ ۲۸۶) خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایی اش، تکلیف نمی کند.

«وُسع» از نظر لغت به معنی گشایش و قدرت است، بنابراین آیه، این حقیقت عقلی را تأیید می کند، که وظایف و تکالیف الهی هیچگاه بالاتر از میزان قدرت و توانائی افراد نیست و لذا باید گفت تمام احکام با همین آیه تفسیر و تقیید می گردد، و به مواردی که تحت قدرت انسان است اختصاص می یابد، بدیهی است یک قانونگزار حکیم و دادگر نمی تواند غیر از این قانون وضع کند، ضمنا جمله فوق، بار دیگر این حقیقت را تأیید می کند که هیچگاه احکام شرعی از احکام عقلی و فرمان عقل و خرد جدا نمی گردد، و این دو در همه مراحل دوش به دوش یکدیگر پیش می روند. (تفسیر نمونه ج/۲ ص/ ۴۰۲)

موضوع تَکْلیفِ مالایطاق، بحث واصطلاح کلامی است که براساس آن واجب کردن تکلیفی از سوی خدا بر شخص مکلّف عاجز و ناتوان، غیر ممکن است.

مانند استطاعت تشرف به حج که خداوند می‌فرماید:«وَلِلّهِ عَلَى النّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»(آل عمران/۹۷) وجوب، در نبود توانائی و استطاعت از ذمهٔ مکلف ساقط می‌شود.این یعنی عین اندیشه مثبت در قرآن و فقه اسلامی.

۳. وجود جایگزین‌ها در احکام فقهی

یکی از موارد تسهیل در احکام وجود جایگزین‌های شرعی است. بارزترین مصداق این جایگزین‌ها کفاره‌ها است، برای نمونه در کفاره مربوط به افطارعمدی ماه رمضان، سه گزینه: شصت روز روزه گرفتن، شصت فقیر را سیر نمودن و یا یک بنده را آزاد کردن، وجود دارد (خوئی، سیدابوالقاسم،ص ۳۱۰) و مکلف به تناسب توان خود می‌تواند یکی از آن‌ها را انتخاب کند. همچنین در شرایطی که وضو یا غسل موجب مشقت و سختی مکلف گردد، تیمم به‌عنوان جایگزین آن دو در نظر گرفته شده است. و یا مثل مسأله اسحاله که با تغییر ماهیت، چیز نجس، پاک می‌شود و یا مانند مسأله انقلاب، که شراب بواسطه ریختن چیزی مثل سرکه و نمک، پاک

می‌گردد. و مسائل دیگر مانند: انتقال، اسلام، تبعیت و غیرها من المسائل الفقهیه. همه این‌ها، اندیشه مثبت از نگاه فقه است.

٤. جواز انجام محرمات در حال اضطرار و ضرورت

مکلف در حالت عادی شرعا مجاز به انجام محرمات و یا خوردن نجاسات نیست، ولی در موارد اضطرار و ضرورت که نجات انسان و یا حفظ سلامتی او متوقف بر آن‌ها باشد، در شرع این تسهیل ایجاد شده است که ارتکاب حرام و خوردن نجاسات برای او جایز باشد.

در مورد اندیشه مثبت در فقه و اصول، حدیث شریف رفع قلم، بیشتر جلوه گری می‌کند و دلالت مستقیم بر اندیشه مثبت دارد.

حدیث رفع، از احادیثی است که برای اثبات برائت شرعی، به آن استدلال شده است. در این حدیث پیامبر(ص) می‌فرماید: «رُفع عن امّتی تسعهٔ اشیاء: الخطا و النسیان و ما اکرهوا علیه و ما لا یعلمون و ما لا یطیقون و ما اضطروا الیه و ما استکرهوا علیه والطیرهٔ و الوسوسهٔ فی التفکر فی الخلق و الحسد ما لم یظهر بلسان او یَد» از امت من نه چیز برداشته شده است: اشتباه، فراموشی، آن چه که به آن اکراه شوند، آن چه را که توانایی انجام دادنش را ندارند، آن چه به آن مضطر شوند، حسد، فال بد زدن و اندیشه‌های وسوسه انگیز درباره خلقت و آفرینش، تا زمانی که بر زبان جاری نشود».(حر عاملی، محمد بن حسن،۱۳۷۲، ص ۲۹۵)

با اینکه پیامبر رحمت (ص) می‌توانست از تمامی نه مورد، رفع قلم نکند و برای مکلفین مرتکب آن‌ها، کیفر و عقابی در نظر بگیرد ولی به خاطر تسهیل و تخفیف در اجرای احکام الهی، از همه آن‌ها رفع قلم نموده است.

در این حدیث، واژه «رفع» بکار برده شده است نه دفع، برای اینکه در رفع، مکلف، مرتکب موارد فوق شده و آثار آن‌ها کاملاً مترتب و اثبات شده است ولی با این حال از باب تخفیف و امتنان از همه آن‌ها رفع قلم نموده است اما در واژه «دفع» مکلف، مرتکب آن‌ها نشده است و آثار نه مورد در حدیث، ببار ننشسته است. بنابراین پیامبر خدا می‌توانست بگوید: دُفِع عن امتی... یعنی من اجازه نمی‌دهم آن آثار سراغتان بیایند و از آمدن آن‌ها به طرف شما جلوگیری می‌کنم. اما در رفع، مکلف کاملاً مرتکب شده و آثار آن‌ها در او ببار نشسته است با این حال، رفع قلم می‌کند و به همه آن‌ها قلم عفو می‌کشد.

این است تفکر و اندیشهٔ مثبت، در فقه غنی و انسان ساز اسلامی.

۵. تخفیف در نحوه انجام برخی تکالیف و واجبات

در صورتی که انسان عاجز از انجام کامل واجبات باشد، تسهیلاتی برای او در نظر گرفته شده است، برای نمونه اگر انسان قادر نباشد نماز را در حال ایستاده بخواند، می‌تواند به دیوار یا مانند آن تکیه دهد و با حالت تکیه نماز بخواند و اگر این هم ممکن نباشد، می‌تواند نشسته نماز بخواند و اگر به‌طور نشسته هم نتواند، خوابیده نمازش را بجا آورد. همچنین در اعمال حج در صورت عاجز بودن از انجام برخی اعمال، می‌تواند برای خود نایب بگیرد.

٦. کافی بودن بازار مسلمانان برای جواز داد و ستد و حلال بودن کالاها

از نشر فقه اسلامی همین که کالایی اعم از خوارکی، پوشاک و مانند آن در بازار مسلمانان عرضه شود، معامله و تصرف در آن جایز است و لازم نیست برای اطمینان از حلال بودن آن تحقیق و تفحص ویژه‌ای انجام گیرد و این حکم فقهی سبب آسایش و آرامش مکلف می‌شود، چرا که در غیر این صورت او مجبور خواهد بود برای انجام هر معامله‌ای تحقیق و بررسی کند و وقت زیادی را صرف این کار کند و دراثر آن زندگی روزمره او دچار مشکل می‌گردید.

۸ . اماریت ید

در دست بودن یک چیز، نشانه مالکیت آن است مگر این که بعدا مخالف آن اثبات شود.

۹. اصل حلیت (اصل حلال بودن چیزها)

این قاعده آن است که هرگاه در حلال و حرام بودن چیزی شک کردیم، مادامی که حرمت آن اثبات نشده، آن را حلال می‌دانیم و مورد استفاده قرار می‌دهیم.

۱۰. اصل طهارت(اصل پاک بودن اشیاء)

مفاد این اصل آن است که در مواردی که ما در طهارت و نجاست چیزی تردید داریم پیش از آن که یقین به نجاست آن پیدا کنیم. آن را پاک می‌انگاریم و آثار طهارت و پاکی را بر آن بار می‌کنیم.

۱۱. قاعده فراغ و تجاوز

مفاد این قاعده آن است که هرگاه انسان در حین انجام عمل، در درست بودن بخشی از عمل انجام شده که از آن عبور کرده شک کند و یا بعد از انجام عمل در درست انجام دادن آن تردید

نماید، نباید به این تردید توجه کند. و بسیاری از اصول، قواعد و احکامی که اندیشه مثبت در دل و جان آن‌ها نهفته است.

معلم، استادی دارای اندیشه مثبت است که به اوصاف زیر متصف باشد، مرحوم شهید ثانی آن‌ها را به زیبایی چنین بیان می‌کند:

۱. ایجاد خلوص نیت در شاگردان

به اعتقاد مرحوم شهید ثانی، نخستین وظیفه‌ای که باید معلم در رابطه با دانش‌آموزان، مورد توجه و اهتمام خویش قرار دهد این است که دانش‌آموزان را تدریجا و گام به گام به آداب و تمرین‌های روحی آن‌ها نسبت به حقایق و اسرار دقیق آئین مقدس اسلام، آشنا نموده و عادت به صیانت نفس را در تمام شئون زندگی آن‌ها بارور سازد.

معلم باید به دانش‌آموز بفهماند که فقط در سایهٔ چنین حالت روحی و معنوی، ابواب دانش‌ها فراسوی او گشوده می‌شود و سینه‌اش شرح صدر پیدا کرده و بر مشکلات زندگی، فائق خواهد آمد.

قفطی می‌نویسد: ابن سینا می‌گفت: هرگاه در یک مسألهٔ علمی، دچار حیرت و سرگشتگی می‌شدم و حد وسط و رمز کشف مجهول را نمی‌یافتم به جامع شهر یعنی به مسجد می‌رفتم و نماز دوگانه در برابر خدای یگانه می‌گزاردم و در نتیجه از برکات ایمان و توجه به خداوند، درهای بسته بر روی من گشوده می‌شد و مشکلات و ناهمواری‌های علمی برای من، آسان و هموار می‌گشت (نقل از کتاب «آداب تعلیم و تعلم در اسلام»).

مرحوم شهید ثانی، کلام خود را در مورد معلم، تخصیص و یا تقیید نزده است بلکه سخن ایشان، مطلق است شامل همه‌ی معلم‌ها، یعنی معلمین علوم دینی و غیر دینی می‌شود تمامی معلم‌ها موظف هستند که مسائل معنوی و روحی را به دانش‌آموزان، تعلیم نمایند و ارزش‌های معنوی را در روح و جان آن‌ها نهادینه کنند.

از سخن ابن سینا، نیز اطلاق استظهار می‌شود برای اینکه ایشان معلم و دانشمند همه‌ی علوم (دینی و غیردینی) بودند.

۲. ایجاد شوق و دلبستگی، در دانش‌آموزان توسط معلم مثبت اندیش، نسبت به علم و دانش

یکی دیگر از حقوق‌دانش‌آموز، این است که مدام از طرف معلم، نسبت به فراگیری علم و دانش مورد تشویق و ترغیب قرار گیرد و معلم باید ارزش‌ها و مزایای علم را به آنان تذکر دهد و سخنان شوق آفرین با استفاده از اخبار و روایات، اشعار، آمثال و بیوگرافی دانشمندان، به شاگردان خود برساند.

تشویق، از ریشه شوق و مصدر است، در لغت به معنـای آرزومنـد کـردن. (دهخـدا، ج/ ۱۴، ص/ ۷۱۹)

در اصطلاح: ایجاد شور، شعف، حرکت و سرعت در مسیر انجام کار به طور کامـل و نیکـو اسـت. (تشویق پاسدار، ص/ ۱۰)

تشویق یکی از وظایف پیامبران الهی بود که مردم را در تمامی جنبه‌های دینی، اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی به حرکت و تکاپو وا می‌دارد، چنانچه در قرآن کریم به این امر مهم، یعنی تحریص و تشویق اشاره شده است: «یا أیهَا النّبی حَرِّضِ الْمُؤمِنِینَ عَلَی الْقِتَالِ...» ای رسول، مؤمنـان را بـه جنگ، ترغیب کن. اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشند بر دویست نفـر از دشـمنان غالـب خواهند شد و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر از کافران غلبه خواهند کرد. (انفال، ۶۵)

امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «فإنّ کثره الذّکر لِحُسنِ أفعَالِهِم تهزُّ الشُّـجاعَ...». تشـویق مکـرر از کارهای خوب، دلیران را در انجام وظایف تهییج می‌کند. (نهج‌البلاغه، نامه۵۳) و در جـای دیگـر همین نامه می‌فرماید «ان الله تعالی حسب سـیئتک واحـده و حسـب حسـنتک عشـراً» خداونـد متعال، گناهت را یکی در حالی‌که کار نیکت را ده برابر حساب می‌کند.

از دیدگاه اسلام، در تربیت انسان، اصل بر تشویق و ترغیب اسـت، نـه تنبیـه و مجـازات، بـرای اینکه تشویق سبب شکوفائی استعداد، تقویت اعتمـاد بـه نفـس، رغبـت و شـوق بـه فعالیـت در دانش‌آموزان می‌شود.

۳. لزوم دلسوزی و مواسات معلم مثبت اندیش، با دانش‌آموزان

در کتاب «منیه المرید» می‌فرماید: ان یُحب لهم ما یحب لنفسه و یکره لهم ما یکره لنفسه فـان ذالک من تمام الایمان و مقتضی المواسات.

از حقوق‌دانش‌آموزان آن است که معلم با ایمان باید در باره آن‌ها چیزی را بخواهد که نسبت بـه آن در مورد خویشتن می‌خواهد و چیزی را که برای خود نمی‌پسندد به شاگردان نیز نپسندد. ایـن یعنی ایمان و موسات.

باید گفت که بی‌تردید دانش‌آموز، والاترین و بهترین برادر و بلکه ارجمندترین فرزند معلم است. اگر معلم، به شاگردانش کمتر از فرزندان خویش بنگرد حقوق آن‌ها را ضـایع و تبـاه کـرده اسـت برای همین علت معلّمی کاری است دشوار و رسالتی است بس بزرگ و هر کس را توان پذیرش این مسؤولیت خطیر نیست؛ سوز و درد می‌خواهد، عشـق و احسـاس مـی‌طلبـد، صـبر و تحمـل می‌باید، بزرگ‌ترین رسالت معلم، که از گفتار و کردار وی ظاهر می‌شود، همان شخصیّت دادن به

دانش‌آموزان است. معلّمی که بتواند بین خود و شاگردانش پل دوستی و فرزند و پدری، برقرار سازد و با آنان برخوردی سرشار از شادی، امید، محبّت و بزرگواری داشته باشد، موفق است و الا لا.

٤. تفقد معلم از احوال دانش‌آموزان

فقهای بزرگ شیعه که به برخی از آثار آن‌ها اشاره شد، تفقد را از حقوق‌دانش‌آموز می‌دانند و از وظایف معلمین به حساب می‌آورند و بر اجرای آن تاکید می‌کنند.

وظیفه مذکور این است که اگر یکی از شاگردان، در جلسه درس معلم، حضور نیافت، و غیبت او غیر عادی به نظر رسید و طولانی شد، باید از احوال او و علت غیبت او پرس و جو کند. اگر از پرس و جوی خود، نتیجه‌ای کافی نگرفت و نتوانست راجع به او خبری به دست آورد باید کسی را برای اطلاع از احوال او به خانه و محل سکونت وی بفرستد، ویا شخصا به منزل اوبرود–که البته این کار اخیر دارای فضیلت بیشتری است–چنانکه رسول گرامی اسلام (ص) با اصحاب و یاران خود همین گونه عمل می‌کرد، (یعنی اگر ملاحظه می‌فرمود که یکی از ملازمان او در میان جمع حاضران، حضور بهم نرسانده است، شخصا به منظور احوال پرسی به خانه او می‌رفت واز او تفقدی به عمل می‌آورد.

آثار مثبت خوشنمائی در متربیان و دانش آموزان

خوش‌نمائی در سیره رسول خدا و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)

در سیره پیامبر خدا (ص) آمده است که هرگاه ایشان قصد خروج از خانه یا پذیرفتن کسی را داشت، موی سر خود را شانه می‌زد، سر و وضع خود را مرتب می‌نمود. خویشتن را می‌آراست و برای آنکه تصویر خود را ببیند، در ظرف آبی می‌نگریست. وقتی سبب این کار را می‌پرسیدند، می‌فرمود

«اِنّ اللّهَ تَعالی یُحِبُّ مِنْ عَبْدِهِ إذا خَرَجَ إلی إخْوانِهِ أنْ یَتَهَیّأَ لَهُمْ وَ یَتَجَمّلَ». (میزان الحکمۀ،ص ۷۷۴)

خداوند متعال دوست دارد که بنده‌اش چون به سوی برادران خود بیرون می‌رود خود را برای آن‌ها آماده و منظم کرده و بیاراید.

امیرالمؤمنین(ع) که خود در غایت زهد و ساده زیستی بود، هرگز سهل‌انگاری در آراستگی و آراسته بودن را روا نمی‌دانست. آن حضرت می‌فرمود: «لِیتَزَینَ اَحَدُکُم لأخیهِ الْمُسْلِمِ کما یتَزَینَ لِلْغَریبِ الّذی یحِبُّ أنْ یراه فی أحسَن الهَیئۀ». (مجلسی، محمد باقر، ۱۳۶۴، ص ۹۱)

هر یک از شما برای برادر مسلمانش، خود را بیاراید چنانکه دوست دارد بیگانـه او را در زیبـاترین قیافه، ببیند.

مراتب آراستگی و خوشنمائی

آراستگی دارای دو مرتبه است: باطنی و ظاهری.
قبل از پرداختن به آراستگی جسم و ظاهری انسـان، از منظـر معصـومان(ع) بـه پـاکیزگی روح و آراستن باطن از منظر اسلام می‌پردازیم.

آراستگی باطنی و روحی

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «الْعِلْمُ زَینُ الْأَغْنِیاءِ وَ غِنَی الْفُقَـرَاءِ» (آمـدی، عبدالواحـد،،۱۳۷۸ ص ۴۲)؛ دانش، زینت دهنده ثروتمندان است (منظور از ثروتمندان یعنی کسانی که علم دارند) و بی‌نیاز کننده فقرا (یعنی کسانی که علم ندارند و جاهل هستند).
در حدیثی دیگر فرمود: «الْعِلْمُ أَشْرَفُ حِلْیةٍ وَ عَطِیةٍ»(همان، ص ۲۸۱)؛ دانش والاترین و بلندترین زیور و هدیه (بخشش) است.
در مورد حکمت، امیرالمؤمنینB فرمود: «عَلَیکَ بِالْحِکْمَةِ فَإِنَّهَا الْحِلْیةُ الْفَـاخِرَةُ»(همـان، ص ۵۴)؛ فراگیر حکمت را پس بدرستی که آن زیوری است فاخر.

خوشنمائی و آراستگی ظاهری

تیپ و نمای ظاهری معلم گذشته از تأثیر بسزایی که در سلامت روحی، روانی و اجتماعی شخص معلم دارد، موجب دلپذیری و جلب نظر دانش‌آموزان می‌شود بـرای اینکـه یکـی از خواسـته‌های فطری انسان، زیبا پرستی است که با سرشـت آدمـی درآمیختـه و کـاملاً سـازگاری دارد انسـان بالفطره از نمای زشت و نازیبا، ناسازگار است.
در احکام فقه و روایات ما، آراستگی ظاهری و پاکیزگی، جزئی از ایمان محسوب شده است که در این مورد
پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «النّظَافَةُ مِنَ الْإِیمَان« (مجلسی محمد باقر،۱۳۶۴، ص ۲۵۷ –۲۸۹)؛ یعنی یکی از نشانه‌های مؤمن، پاکیزگی و آراستگی ظاهری است.
امام رضا(ع) می‌فرماید: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِیـاءِ التّنَظُّـف«(همـان،ص ۳۳۵). آراسـتگی و پـاکیزگی از اخلاق انبیای الهی است.
حدیث بسیار مناسب و زیبایی از امام صادق(ع) داریم که می‌فرماید: «إِنّ اللّهَ تَعَالَی یحِبُّ الْجَمَالَ وَالتّجَمُّلَ وَ یکْرَهُ الْبُؤْسَ وَالتّبَاؤُسَ فَإِنّ اللّهَ عَزّ وَ جَلّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَی عَبْدٍ نِعْمَةً – أَحَبّ أَنْ یرَی عَلَیهِ أَثَرَهَا – قِیلَ وَ کَیفَ ذَلِکَ، قَالَ یُنَظِّفُ ثَوْبَهُ وَ یَطیبُ رِیحَـهُ – وَ یُحَسِّـنُ دَارَهُ وَ یکْـنُسُ أَفْنِیتَـهُ –

حَتّی إِنّ السِّرَاجَ قَبْلَ مَغِیبِ الشّمْسِ ینْفِی الْفَقْرَ – وَ یزِیدُ فِی الرِّزْقِ» (همان، ص ۱۷۶) همانا خدا دوست دارد زیبائی و آراستگی را دوست دارد و زشت می‌دارد. بدحالی و بدنمائی را زیرا خدا عزوجل چون نعمتی به بنده دهد دوست دارد اثرش را در او بیند، گفته شد، چگونه؟ فرمود: جامهٔ خوب و پاکیزه و بوی خوش بزند و خانه خوب و گرد و غبار خانه را جاروب کند، تا چراغ را پیش از غروب خورشید روشن کند، فقر را از بین می‌برد و روزی را افزایش می‌دهد.

در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) در مورد شخصی آلوده و ژولیده، چنین آمده است: «اِنّ اللهَ تَعالی یبغِضُ الوَسِخَ والشَعِثَ» (نهج الفصاحه، ص/ ۳۰۴) خداوند متعال شخص کثیف، ژولیده و پریشان را دشمن می‌دارد.

از جهت زیبایی، موی سر یکی از جلوه‌گرترین اعضای بدن انسان به حساب می‌آید. زیبایی چهره و صورت با موی سر جلوی بیشتری پیدا می‌کند.

در مورد موی سر، از امامان معصوم (علیهم‌السلام) سفارش‌های زیادی شده است.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «إِنّ مِنْ أَجْمَلِ الْجَمَالِ الشّعْرَ الْحَسَن« (الکافی، ج/ ۲، ص/ ۶۱۵)؛ زیباترین زیبایی‌ها، موی زیبا و قشنگ است.

در تعالیم پیشوایان اسلام در خصوص آراستگی ظاهر، توصیه‌های فراوانی مطرح شده که این مختصر را گنجایش همه آن‌ها نیست. از آن جمله است توصیه به پوشیدن لباس پاکیزه و آراسته، شانه‌زدن و مراقبت از موی سر و محاسن، تمیز نگه داشتن بدن و زدودن موهای زاید آن، کوتاه‌کردن ناخن و موی شارب و درون‌بینی و پرهیز از آنچه که موجب نفرت و کراهت دیگران می‌شود، از قبیل بوی بد دهان که ناشی از مسواک نزدن و خلال نکردن دندان‌هاست. (ر. ک: به کتاب حلیه المتقین، علامه مجلسی، باب‌های پنجم، ششم، هفتم)

نتیجه آن که دین اسلام از زبان قرآن، روایات و سیره معصومین (علیهم‌السلام)، به اصل آراستگی باطناً و ظاهراً تأکید نموده است که هدف ما در این نوشتار، بیشتر آراستگی ظاهری و خوشنمائی است. برای اینکه اکثر مردم، قادر به تشخیص آراستگی‌های روحی و باطنی افراد نیستند و اغلب به ظاهر آن‌ها، قضاوت می‌کنند و از ظاهر، به باطن و ویژگی‌های روحی دیگران اطلاع پیدا می‌کنند، باید توجه داشت که اگر مسلمانی با وضع آشفته و ظاهری زشت و پریشان در جامعه ظاهر شود، به خصوص اگر از نظر حرفه و شغل، وابستگی دینی و سیاسی به حکومت اسلامی داشته باشد، وجود او یکی از وسایل تبلیغ علیه حکومت و دین مبین اسلام خواهد بود.

تأثیر آراستگی ظاهری معلمان در دانش‌آموزان

آراستگی ظاهر معلم از حیث لباس، موی سر و بوی خوش و غیره، می‌تواند تأثیری شگرفی، بر شخصیت دانش‌آموزان بگذارد، متربیان بالفطره به سوی معلمان شیک پوش، تمیز و خوش تیپ، سوق پیدا می‌کنند و از آن‌ها بیشترین اثر را متاثر می‌شوند، این مطلب در روان‌شناسی به اثبات رسیده است که هر نوع رنگی در لباس چه اثراتی در خود شخص و بینندگان او ایجاد می‌کند و این خود می‌تواند از منظری دیگر نشان دهنده نوع شخصیت و روحیه صاحب آن باشد. و همچنین، نوع لباس می‌تواند نشان دهنده نوع افکار، عقاید او باشد.

به‌عنوان مثال، افراد طرفدار socialisme (سوسیالسم) که هدفشان معمولاً تعمیم منابع ثروت وبه ظاهر، مدافع طبقه‌ی کارگرند، لباس‌ها و کفش‌های کهنه و با نمای ژولیده در میان خلق، ظاهر می‌شوند ولی افراد طرفدار کاپیتالسم و نظام سرمایه داری (capitalisme) از لباس‌های تمیز، اتو خورده، کروات، عطرها و ادکلن‌های خوشبو، استفاده می‌کنند، در حالی که مسلمانان طبق تعلیمات اسلام، راه اعتدال را برگزیده‌اند.

در باره این مهم، پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «من تشبه بقوم اوشَکَ ان یکون منهم» هر کس به گروهی تشبه پیدا کند نزدیک است که از آنان به شمار آید. (دیلمی، حسن بن علی ۱۳۶۶، ص ۲۹۶)

بدین جهت، لازم است اساتید و معلمان مدارس، که خود بنیانگذار کاخ معرفت در فکر و اندیشه دانش‌آموزان هستند، برای آنکه در مرحله عملی نیز هدایتگر آنان باشند – علاوه بر آنکه از آراستگی روحی و باطنی بهره‌مندند – با نمای زیبا و آراستگی ظاهر و برازندگی کامل در کلاس درس حاضر شوند.

در تمام طول مدتی که معلم در کلاس حضور دارد، لباس و اندام و حرکات او نوازشگر چشمان دانش‌آموزان است و بدون تردید، درصدی از تمرکز دانش‌آموزان به آن‌ها معطوف است.

تأثیر لباس و رنگ آن در دانش‌آموزان مدرسه

لباس‌های معلمین، کادر مدرسه و یونیفورم‌های دانش‌آموزان از جهت رنگ نیز باید به روش درست علمی و روانشناسی برگزیده شوند برای اینکه رنگ‌ها معمولاً تأثیری مستقیم بر روی آدمی باقی می‌گذارند. گاهی این تأثیرات خوشایند و گاهی ناخوشایند وتنفر برانگیزند. همه مردم در مقابل این تأثیرات، واکنش نشان می‌دهند. از تأثیرات دلنشین و مثبت رنگ احساس لذت و رضایت می‌کنند و از تأثیرات منفی آن دوری می‌جویند. تأثیرات رنگ گاهی آنقدر شدید و عمیق هستند که ممکن است منجر به نوعی واکنش فیزیکی در بین دانش‌آموزان گردد.

متأسفانه در مدارس کشور ما ارزش‌های واقعی دینی به ضد ارزش‌ها، تبدیل شده است و اکثر بـه اتفاق معلمین، کادر اجرائی و تربیتی مدارس، سوسیالیست مآبانـه در مـدارس ظـاهر می‌شـوند و ارزش‌ها و تعالیم اسلامی را نادیده می‌گیرند، با ظاهری ژولیـده و بـا لباس‌هـای غیـر مطلـوب و کفش و دمپائی‌های نا مناسب و غیرنظیـف، در کلاس‌هـای درس، حاضـر می‌شـوند ایـن خـود، عاملی است که شدیداً به دین، حکومت دینی و دانش‌آموزان کشور در مـدارس، آسـیب جـدی و غیرقابل جبران می‌رساند.

با توجه با آنچه بحث شد، پیشنهاد می‌شود، وزارت محترم آموزش و پرورش ضمن تنـویر اذهـان معلمان گرامی با این مهم، طرح «خوشنمائی و آراستگی ظاهری معلمان» را در مدارس به اجـرا درآورد. بر اساس این طرح، واحدهای بهداشت و بازرسی در مـدارس، اجـرای صـحیح آن را بـه عهده گرفته و کنترل و استفاده از آن را تاکید نمایند.

بجاست که وزارت آموزش و پرورش، این طرح را هرچه سریعتر در قالب لایحۀ دو فوریتی، تحت عنوان «لباس ملی در مدارس» به مجلس شورای اسلامی، جهت تصویب ارائه نماید.

و بهتر است که با الگوگیری از تعالیم ارزشمند اسلامی، لباس آقایان، کت و شـلوار بـا رنگ‌هـای مناسب روشن و لباس بانوان نیز برای حضور در کلاس‌ها، مانتو و شلوارهای بدون طرح و نقـش با رنگ‌های مناسب روشن باشد، برای این که بیشتر جامـه‌های پیامبراسـلام و ائمـه معصـومین علیهم‌السلام سفید بود و می‌فرمودند: لباس سفید را بر زندگانتان بپوشانید و مردگانتان را هـم بـا پارچه سفید کفن کنید. (طباطبائی، محمد حسین، ص ۱۲۰)

در عصر حاضر، همـه‌ی کمپانی‌هـا، شـرکت‌ها وموسسـات اقتصـادی و تجـاری مـی‌کوشـند تـا کارکنانشان از نظر ظاهر، کاملاً آراسته باشند، این امر نقش بسیار مؤثری در موفقیت آنـان دارد، چرا که موجب ایجاد ذهنیتی مثبت در مراجعان نسبت به شرکت وپرسنل شاغل در آن می‌شـود، وبه اعتقاد مدیران آن‌ها، هرچه ظاهر کارکنان، آراسته، مرتب، منظم وتمیزتر باشد مشتری، بیشتر احساس آرامش می‌کند.

بدون شک معلمان نیز به لحاظ مأموریت و مسئولیتی که در قبال تعلیم و تربیت بر عهـده دارنـد در بین طبقات مختلـف جامعـه ممتـاز ومشـخص مـی‌باشـند از ایـن رو بایـد در تمـام زمینـه‌ها قابلیت‌های خود را افزایش داده وبیش از هر طبقه دیگر از مولفه‌هایی که موجب نفـوذ بیشـتر در میان جامعه وبویژه دانش‌آموزان می‌شود بهره گیرند.

نتیجه

یکی از تئوری‌های مهم تربیتی که می‌توان از دل فقه، اصول و احکام فقهی استکشاف نمود، اصل وظایف معلمین و اساتید ومثبت نگری در روش‌ها و اصول تعلیم و تربیت است. مثبت نگری به این معنا است که معلم و مربی، به محیط پیرامون خود با نگاه مثبت بنگرد و به ویژه در روابط اجتماعی، رفتارها و اقدامات خود و دیگران را مثبت بیند و به رفتار و گفتار آن‌ها با عینک درست و صحیح نگاه کند نه با عینک تیره و تار و شکسته و به اصطلاح آن‌ها را حمل بر صحت کرده و همه را در بدو برخورد، از پلیدی‌ها و زشتی‌ها، دور انگارد رعایت این اصل، سبب آرامش در دانش‌آموزان شده و از بدبینی‌ها و نگرش‌های منفی در مورد مربی و معلم، آن‌ها را نیز باز می‌دارد و محیطی امن و آرام در کلاس درس ایجاد می‌کند و سبب استحکام روابط متقابل می‌گردد.

بنابراین در اهمیت و ضرورت این اصل تربیتی جای سخن باقی نیست، ولی آنچه مهم است اجرائی کردن آن در تئوری تعلیم و تربیت است که همه متصدیان آن از مدرسه گرفته تا خانواده به آن عمل کنند و رفتاری محسوس در موضوع مثبت اندیشی، عملا در تمامی آن‌ها مشاهده شود. این امر زیبا، زمانی اتفاق می‌افتد که معلین و اساتید ما در سرتاسر کشور با وظایف خود از دیدگاه فقه اسلامی آشنا باشند.

منابع

قرآن کریم.
ابومحمد حرّانی؛ تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات آل علی، ۱۳۸۳، چاپ سوم.
احمدی، محمدابراهیم (۱۳۷۷ش)، تشویق پاسدار، معروف؛ قم.
آمدی، عبدالواحد(۱۳۷۸ش)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
جمعی از محققان(۱۳۸۹ش)، فرهنگ‌نامه اصول فقه، توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
حجتی، سیدمحمد باقر(۱۳۹۱ش)، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۲ش) ، وسائل الشیعۀ الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۲۷، اسلامیه، تهران،.
حییم، سلیمان، فرهنگ معاصر(۱۳۶۷)،ص ۴۱۵.

خوئی، سیدابوالقاسم، توضیح المسائل.
دهخدا، علی اکبر(۱۳۳۰ش)، لغت نامه دهخدا،تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
دیلمی، حسن بن علی(۱۳۶۶ش)، اعلام الدین فی صفات المومنین، موسسه آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، قم.
زنوزی، عبدالله بن بیرمقلی باباخان(۱۳۸۱ش)،لمعات الهیه، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران.
طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، مترجم: فقهی، محمدهادی، بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی‌تا.
فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره۲، ش۱، ۱۳۹۵.
کلینی، محمدبن یعقوب(۱۴۰۱ق)، اصول من الکافی، علی اکبر غفاری، بیروت، دارالتعارف، چاپ چهارم، جلد ۲.
معلوف، لویس(۱۳۷۳ش)، لغتنامه المنجد، قسمت فرائد الادب، دارالمشرق.
مجلسی، محمد باقر(۱۳۶۴ش)، بحارالانوار، دارالکتاب اسلامیه، تهران.
محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمهٔ، جلد ۲، مترجم:حمیدرضا شیخی، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۹.
مکارم شیرازی، ناصر، با جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰ش)، تفسیر نمونه، جلد ۲، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
نعمتی، محبوبه، ماهنامه آموزشی و تربیتی پیوند، شماره ۴۴۶، وزارت آموزش و پرورش.
نهج الفصاحه، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران، بدرقه جاویدان، ۱۳۸۵، چاپ هفتم.
فیض الاسلام، نهج البلاغه، اسماعلیان،۱۳۵۶.